

آموزش
آواز اصیل ایرانی

جلد اول

ویراستار ادبی و رسم‌الخطی
ناصر مجرد ایرانی

مؤلفان

مهدی کاظمی - مهدی قاسمی

«گروه آموزشی نوای الهی زیر نظر آموزشگاه ظهیرالدینی»



پیشگفتار

هیچ مطالعه‌گر منصفی نمی‌تواند ارزش خدماتی را که آقایان مهدی قاسمی و مهدی کاظمی برای تهیه، تنظیم و تدوین این کتاب کم‌حجم اما پرمحتوا متحمل شده‌اند، نادیده بگیرد. و همین قدر که این دو انسان بزرگوار تصمیم به انجام چنین خدمت شایسته‌ای گرفته‌اند ستودنی است. چرا که در زمان ما پرداختن به چنین امر خیرخواهانه‌ای همت مردانه و جیب پرفتوت می‌خواهد. به‌ویژه که سال‌هاست موسیقی سنتی خود را در آستانه زوال و احتضار می‌بینیم و عجیب است که بزرگان این هنر فاخر و ارزشمند تکانی نمی‌خورند و سینه‌ای چاک نمی‌دهند و درصدد اعتلای میراث بزرگان ساز و آواز بسیار غنی و پرمعنای سنتی بر نمی‌آیند.

بنده در مقاله کوتاهی که در شماره ۳۱۱ مورخه ۲۶ فروردین ۱۳۹۶ هفته‌نامه «سرزمین پویا» نوشتم این سؤال را مطرح کردم که: «چه کسانی باید به داد موسیقی سنتی ایران برسند؟» و جالب این‌که هیچ پاسخی به این سؤال به دفتر هفته‌نامه پرخواننده نرسید! و این خود نشان می‌دهد که یا هیچ‌کس در این باره دلسوخته نیست و یا جرأت و جسارت اظهارنظر ندارد! به هر حال باید چاره‌ای اساسی اندیشید و از بی‌تفاوتی‌ها فاصله گرفت و با تشکیل یک «هسته مرکزی» متشکل از بزرگان حاضر در موسیقی سنتی راه نجات معقولی را طی کرد که امثال این کتاب می‌توانند نسل‌های آینده را با ارزش‌های یادگار بزرگان موسیقی این سرزمین آشنا نمایند.

به اعتقاد بنده، استادانی نظیر محمدرضا شجریان، هوشنگ ظریف، داوود گنجه‌ای،

ابوالحسن پازوکی، عبدالوهاب شهیدی، عباس تهرانی، حسین خواجه‌امیری، اکبر گلپایگانی، نصرالله ناصح‌پور، حسین علیزاده، کیوان ساکت و ده‌ها استاد دیگر مقیم تهران و شهرستان‌ها می‌توانند به عنوان اعضای هسته مرکزی نجات موسیقی سنتی، همه‌ماهه جلساتی تشکیل دهند و پیشنهادهای معقولی به مقام‌های تصمیم‌گیرنده ارائه نمایند و تا آنجا که ممکن است شرایط موجود را تغییر دهند. بنده هم ان شاء الله با این گروه همکاری نزدیک خواهم داشت و تصمیمات متخذه ایشان را در مطبوعات منعکس خواهم نمود. بار دیگر از آقایان مهدی قاسمی و مهدی کاظمی که در این شرایط و انقضا اقدام به چاپ کتابی ارزشمند (ولو کم حجم) دربارهٔ موسیقی سنتی نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده و برایشان آرزوی موفقیت و سلامت روزافزون دارم.

ناصر مجرد ایرانی

به نام خدای هنرآفرین
نهادست گیهان به ساز و طنین

سخنی با خوانندگان

خواننده‌ی گرامی

این کتابچه؛ دریچه‌ای است به سمت و سوی فراگیری موسیقی سنتی؛ ملی و ارزشمند این مرز و بوم در شاخه‌ی آواز و بالطبع جای کار فراوانی دارد و خالی از اشکال هم نیست! پس تنها؛ قطره‌ای از دریایی است که امید داریم بجوشد و بجوشاند و رود و دریا شود...

قابل ذکر است که این مدل آموزشی؛ در چند جلد پیش‌بینی شده است که از سطح عمومی (مقدمات) تا دوره‌های بالاتر را شامل می‌گردد و به صورت آموزش گام به گام تا فراگیری نسبی کامل ردیف آوازی ایران ادامه می‌یابد. هر سطح؛ تخصصی‌تر شده و به شرح و تفصیل بیشتری از تکنیک آواز می‌پردازد. هنرجو می‌تواند بر حسب علاقه و پشتکار؛ به سطوح بعد راه پیدا کند.

مخاطب سطح اول این شیوه‌ی آموزش؛ «عام» خواهد بود بدین مفهوم که طیف وسیعی از علاقه‌مندان می‌توانند جهت فراگیری آواز ایرانی، وارد این سطح شوند. طول این دوره به طور متوسط حدود یکسال است. هنرجو در این دوره طی فراگیری بالغ بر ۲۴ گوشه‌ی آوازی و ۳۶ ترانه و تصنیف؛ با مبانی ابتدایی سولفژ و صداسازی؛ اصول تمیزخوانی و فضای دستگاه‌های موسیقی ایرانی بر طبق یک برنامه‌ی درسی هفتگی مشخص آشنا می‌شود. هنرجو در سطوح بالاتر؛ با طیف گسترده‌تری از گنجینه‌ی ردیف آوازی ایران زمین آشنا می‌گردد.

هنرجو با گذراندن این دوره‌ها؛ در سطحی قرار می‌گیرد که آمادگی ورود به مرحله‌ی عالی را خواهد داشت. در این مرحله هنرجو علاوه بر آگاهی یافتن از توانمندی‌های خود؛ با ابزارهای لازم خواندن و ردیف آشنا شده و آماده است تا در سطحی عالی به افزایش بیشتر قابلیت‌ها؛ استفاده و ترکیب ابزارها همچون مرکب خوانی و سایر خلاقیت‌های فردی (مرحله‌ی خلق و ساخت) و همین‌طور تلفیق شعر و موسیقی وارد شود.

گوشه‌ها و تصنیف‌های مطرح شده در این کتابچه، صرفاً پیشنهادی است که برای ارایه‌ی یک طرح درس با نقشه و قالب پیش رو، مورد استفاده قرار گرفته است. این طرح درس بر اساس تجربه‌ی عملی و پیاده سازی آن در چند کلاس تکمیل گردیده است و بالطبع جای گسترش، تکامل و بهبود دارد.

ما را نیز نه ادعای «آغاز کنندگی راه»؛ و نه مدعای «راه‌دانی» است که تنها و تنها ادعای «رسالت و وظیفه» و «عرق و عشق» است و ادعای ارایه‌ی مدلی روشمند و سریع از آموزش آواز اصیل‌مان است که امید داریم با نگاه و توجه پروردگار و حمایت‌های هنرمندان و اساتید گرامی و البته توجه هنرجویان، راهگشای فصل جدیدی از انتشار و اشاعه‌ی این گوهر ملی در پهنه‌ی ایران‌مان باشیم.

با تشکر از استاد ناصر مجرد ایرانی و استاد ابوالحسن پازوکی که هدایت‌ها؛ آموزش‌ها و راهنمایی‌های ایشان، راهگشای تالیف این سری از کتابچه‌های آموزشی آواز گردیده و همچنین قدردانی از استاد خانم شورانگیز ظهیرالدینی که با حمایت‌های بی دریغ خود؛ امیدبخش ما برای تداوم این راه طولانی بوده‌اند.

مهدی قاسمی - مهدی کاظمی

mehdighasemi5120@gmail.com

mehdi.kazemin@gmail.com

فهرست مطالب

| | | |
|-----|-------|---|
| ۱۳ | | مقدمه |
| ۱۵ | | مختصری از سرگذشت موسیقی ایران زمین |
| ۲۳ | | آشنایی مختصر با برخی از ردیف دانان برجسته ی آواز ایران زمین |
| ۲۷ | | آواز ابوعطا از مشتقات دستگاه شور |
| ۳۳ | | آواز اصفهان از مشتقات دستگاه همایون |
| ۴۱ | | آواز افشاری از مشتقات دستگاه شور |
| ۴۹ | | آواز بیات ترک از مشتقات دستگاه شور |
| ۵۷ | | آواز دشتی از مشتقات دستگاه شور |
| ۶۵ | | دستگاه شور |
| ۷۳ | | دستگاه ماهور |
| ۷۹ | | دستگاه سه گاه |
| ۸۷ | | دستگاه همایون |
| ۹۵ | | دستگاه چهارگاه |
| ۱۰۳ | | دستگاه نوا |
| ۱۰۹ | | دستگاه راست و پنجگاه |
| ۱۱۵ | | نتایج پایان دوره ی مقدماتی آواز اصیل ایرانی (دوره ی عمومی) |
| ۱۱۷ | | صدا و رژیم غذایی |
| ۱۱۹ | | معرفی برخی تصنیف های رایج |
| ۱۲۷ | | معرفی کتاب |

مقدمه

از دیدگاهی شاید بتوان انسان‌ها را به دو بخش تقسیم کرد: کسانی که وقایع را فقط می‌بینند و کسانی که وقایع را مشاهده می‌کنند! که «دیدن» به تنهایی، همیشه کافی نیست... به طور مثال ما هر روز با پدیده‌های مختلفی مواجه می‌شویم، چراغ‌های قرمز، برخورد آدم‌ها با یکدیگر، بچه‌های کار، انسان‌های فقیر یا گرسنه، زنان دستفروش، گربه‌ای متلاشی در خیابان؛ درختی که شاخه‌ای از آن شکسته و ... بسیاری این وقایع را می‌بینند و می‌گذرند و اندکی نیز می‌بینند اما اثری از این واقعه را خواسته یا ناخواسته حفظ می‌کنند. تاثیر می‌پذیرند و عمل می‌کنند. شکل این عمل در این بحث مورد نظر نیست اما شاید بتوان هنرمند را یک «مشاهده‌گر» دانست. مشاهده‌گری که فقط نمی‌بیند، که تجربه می‌کند. نمی‌رود، بلکه حمل می‌کند. بی تفاوت نمی‌گذرد که اثر و ردی از واقعه در روایتش باقی می‌ماند... در عین سبکی؛ باردار است و «بارش»، داستان دیگران!

ممکن است یک هنرمند، به جای خودبینی گذرای زمینی - که در عموم شایع است - خود مشاهده‌گری باشد که بر خلاف سایرین، ارتباط شهودی اش را با منبع حقیقت و زیبایی فراموش نکرده و همواره خود را تشنه می‌بیند و سیراب نمی‌گردد! او تشنه‌ی زیبایی، کشف و انتقال نشانه‌ها و معناهای آفرینش، نمادآفرینی و نمایش آن است. گویی مبارزی خستگی‌ناپذیر، به ساختاری که بیشتر انسان‌ها به آن خو گرفته‌اند می‌تازد؛ سنت و عرف را می‌شکند و دریچه‌ای را در معرفی چشم دیگران می‌گشاید تا مگر دیگرانی

چند نیز به یاد آورند!

خالق هنر؛ همه چیز را در مقدار (حد نیاز) و میزان (اندازه) و تعادل (زیبایی) آفرید و انسان را نیز شبیه خود خلق کرد. هنرمند؛ خواسته یا ناخواسته، بخشی از صفات خالق خویش را آشکار می‌کند. هنرمند با هنر خود؛ عشق ورزی می‌کند و قصد آشکارسازی دارد...

«هنرمند راستین»، وجودی بی‌آلایش؛ معصوم و کودکانه دارد!...

اگر همه‌ی ما از یک خالقیم؛ پس همه باید یک هنرمند باشیم... باید عشق ورزید. باید دوباره کودک شد. باید حس کودکی درون «خود» را دوباره یافت. «خود» که نه بر اساس تحمیل عادات و رفتارهای دیگران یا خواست این و آن، زندگی می‌کند و نه خودی که در دایره‌ی بسته و مورد طبع جامعه، واژه‌ها؛ رنگ‌ها و «مردم چه می‌گویند‌ها» اسیر است و نه خودی که هنوز درگیر لباس و اثاث است!

در قضاوت عموم، «دیوانه»؛ در قید لباس و آداب و خوش‌آمدِ جماعت نیست و گوشش به «باید نبایدها» بدهکار نیست. چنین است که دیوانگان، به رفتار؛ به کودکان نزدیک‌ترند...

هنرمند، به میزان بازیافت کودک و عشق درونش؛ بزرگ‌تر، عاشق‌تر و از زاویه‌ای دیوانه‌تر می‌شود...

برای این بازآوری و هنرمند شدن، هیچ وقت دیر نیست...

مختصری از سرگذشت موسیقی ایران زمین

... در زمان ساسانیان و پیش از آن؛ موسیقی ایران زمین بسیار غنا داشت. بامداد و شامگاه، هر یک دارای موسیقی خاص خود بود. مراسم متنوع، هر یک موسیقی مخصوص خود را دارا بودند... در جشن ها؛ اعیاد و عزاداری ها؛ روزهای خاص و حتی هر روز معمول نیز؛ خود؛ دارای نوا و نغمه‌ای ویژه بود. موسیقی تا حدی در تاروپود ایرانیان در هم آمیخته بود که؛ حکمرانان؛ بخش عمده‌ای از نظم جامعه را توسط موسیقی و ملودی‌های زیبا؛ حفظ کرده بودند...

حدود ۶۰۰ سال پیش، عده‌ای از افراد دلسوخته و هنردوست تصمیم گرفتند نغمه‌های موسیقی باقی مانده را گرد آورده و سر و سامان دهند... آنها با تلاشی خستگی ناپذیر؛ به راه افتادند و در جای جای میهنان؛ از روستاها، دهکده‌ها و ایل‌ها و هر جا که جماعتی بود... آنچه از نغمه‌ها و ملودی‌ها که توانستند جمع آوری کردند و مجموعه‌ای از نغمه‌ها به وجود آمد.

این مجموعه‌ی باقی مانده از موسیقی ایران باستان؛ به روایت برخی؛ ۱۷ درصد و به روایت برخی اساتید، ۲۵ درصد کل نغمه‌های ایران زمین بوده است و اطلاعاتی از بقیه‌ی نغمه‌ها در دست نیست...

تمثیل باغ موسیقی

این هنردوستان؛ با مجموعه‌ی گردآوری شده؛ باغ موسیقی را شکل دادند. همگی ملودی‌ها را داخل این باغ آوردند سپس نغمه‌هایی را که با یکدیگر هارمونی و همخوانی داشت با هم در یک دسته قرار دادند. هر دسته؛ یک درخت را تشکیل داد که به طور طبیعی شاخه‌های هر درخت دارای حال و هوای نزدیک به هم بود. در مجموع هفت درخت تنومند ساخته شد. درخت‌ها هر یک دارای فضا و حالت متفاوتی از یکدیگر شدند...*

پس از آن؛ درخت‌ها نام گذاری گردید... برخی از درختان؛ مثل «شور»، خمیده و بسیار بزرگ و تنومند شدند. اساتید؛ تصمیم گرفتند درختان بزرگ و خمیده را کوچک تر کنند. در این راستا؛ تعدادی از شاخه‌های نزدیک به هم را از آن جدا کردند و در کنارش قرار دادند که به این ترتیب نهال‌هایی نیز در کنار درخت مادر پدید آمد تا در نهایت درخت مادر سبک تر شد...

هر نهال، خود یک مجموعه را تشکیل داد. از درخت بزرگ «شور»؛ چند نهال دیگر به نام‌های «افشاری»، «بیات ترک»، «ابوعطا» و «دشتی» پدید آمد. از درخت «همایون» نیز، نهالی با نام «بیات اصفهان» جدا شد و هر یک هویت مربوط به خود را دارا گردید. در نهایت؛ دوازده درخت پدید آمد...

درخت‌های اصلی را «دستگاه» نامیدند و به نهال‌های جدا شده، «آواز یا مقام» اتلاق گردید. بنابراین در این باغ زیبا دوازده درخت وجود دارد که هفت تای آنها دستگاه و به پنج تای دیگر، آواز اتلاق می‌گردد. اگر چه هر دوازده درخت را می‌توان «آواز» هم نامید. ۳۵۰ سال طول کشید تا این مجموعه شکل بگیرد و حدود ۲۵۰ سال است که این مجموعه به دست ما رسیده است.

به مجموعه‌ی درختان موجود در این باغ زیبا؛ «ردیف‌های موسیقی دستگاهی ایران زمین» اتلاق می‌گردد. هنرجوی موسیقی اصیل ایرانی هنگام ورود به این باغ؛ در واقع در حال فراگیری «ردیف‌های موسیقی دستگاهی ایران زمین» است...

این دستگاه‌ها و آوازه‌ها عبارتند از

(۱) دستگاه شور

زیرمجموعه‌های دستگاه شور

• آواز افشاری

• آواز ابوعطا

• آواز بیات ترک

• آواز دشتی

(۲) دستگاه ماهور

(۳) دستگاه همایون

زیرمجموعه‌ی دستگاه همایون

• آواز بیات اصفهان

(۴) دستگاه چهارگاه

(۵) دستگاه سه‌گاه

(۶) دستگاه نوا

(۷) دستگاه راست و پنجگاه

هر درخت؛ از تنه و شاخه‌های متعددی تشکیل شده است. تنه‌ی درختان در این باغ

زیبا را؛ «درآمد» می‌گوییم و به هر یک از شاخه‌ها؛ یک «گوشه» اتلاق می‌شود.

هنرجوی ساز یا آواز به مرور با حال و هوای این درخت‌ها و شاخه‌های آنها (گوشه‌ها)

آشنا می‌شود به گونه‌ای که با شنیدن یا نواخته شدن هر یک، می‌تواند تشخیص دهد که

خواننده یا نوازنده، در کدام نقطه از مختصات موسیقی ایران زمین قرار دارد و در حال

اجرای کدام درخت یا کدام شاخه‌ی آن است...